

بسم الله الرحمن الرحيم

سیری در وصیّت نامه امام خمینی

در نظام هستی که اساس آن بر حق و صدق استوار است، گفتار و نوشتاری از تأثیر راستین برخوردار است که از حقّ و صدق بهره مند باشد. مقدار بهره وری هر چیز از حقّ و صدق، به اندازه پیوند وجودی آن شیء با حقّ محض و صدق صرف است که همان خدای سبحان باشد؛ لذا، وحی الهی از هر گفتاری صادق تر می باشد: **(وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا)**.^۱

چون غالب مطالب وصیّت نامه الهی سیاسی امام خمینی (قدس سرّه) به منزله شرح آیه ای از قرآن کریم یا روایتی از احادیث عترت طاهره (علیهم السلام) می باشد و آشنایی به منابع دینی آن سبب تأثیر عمیق آن است، لذا در این گفتار به ذکر برخی از منابع قرآنی و روایی آن اشاره می شود تا نموداری برای سایر مسائل باشد و عصاره آن در طی چند مطلب مطرح است.

مطلب اول

اسلام، تنها مکتب حقّ و ثابت و تنها دین خداپسند است: **(إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)**؛^۲ **رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا**،^۳ و سرّ ثبات و مرضی خدا بودنش آن است که جامع کمال و تمامیت نعمت الهی می باشد: **(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي)**.^۴

همان طوری که خداوند، اسلام را برای جوامع بشری پذیرفته است، پیامبران نیز اسلام را به مردم توصیه نموده اند: **(و وَصَّيْ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِي إِذْ قَالَ اللَّهُ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَاتُمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ)**،^۵ و خداوند گرایش به ملت اسلام (سیره و سنّت اسلامی) را رشد و گریز از آن را سفاهت می داند: **(وَمَنْ يَرْغَبْ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ)**.^۶

۱- سوره نساء، آیه ۱۲۲.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۳- سوره مائده، آیه ۳.

۴- سوره مائده، آیه ۳.

۵- سوره بقره، آیه ۱۳۲.

۶- سوره بقره، آیه ۱۳۰.

مطلب دوم

چون حقیقت اسلام در مجموعه وجود تشریحی و تکوینی یافت می شود، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در توصیه به اسلام، تمسک به کتاب و عترت را مطرح نمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي»^۷ و حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) در وصیت خود از آنها به عنوان ستون استوار و چراغ پرفروغ یاد کرده است: «أَقِيمُوا هَذِينَ الْعَمُودِينَ وَأُوقِدُوا هَذِينَ الْمَصْبَاحِينَ»^۸.

چون عترت طاهره (علیهم السلام) مبین وحی و ممثل قرآنند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: این دو به اندازه مویی از یک دیگر جدا نبوده و ترک هر کدام، همان ترک دیگری است^۹؛ چنان که اخذ هر کدام، حتماً با اخذ دیگری همراه خواهد بود.

مطلب سوم

رهبران الهی اولیای مردمند و ولایت آنان ایجاب می کند که از توصیه به حق غفلت نشود و بر هر جامعه اسلامی که اوصیای آنهایند، عمل به وصیت لازم خواهد بود؛ مخصوصاً آنکه عمل به وصیت آنان مایه حیات و ترک آن سبب هلاک باشد؛ چنان که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا»^{۱۰}.

از این رهگذر روشن می شود که چرا حضرت امام خمینی (قدس سره) وصیت نامه الهی سیاسی خود را به حدیث متواتر ثقلین آغاز نمود^{۱۱} و حیات امت اسلامی را در تمسک به آنها دانست و هجر هر کدام را مهجور بودن دیگری و وصل هر یک را همراه وصل دیگری اعلام

^۷ - اثبات الهداة، ج ۱، ص ۷۳۵؛ امالی شیخ طوسی، مجلس ۹، حدیث ۵۲، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۶۸؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۱.

^۸ - نهج البلاغه، خطبه ۱۴۹، و نامه ۲۳.

^۹ - بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۷۷.

^{۱۰} - همان، ج ۳۶، ص ۳۳۱.

^{۱۱} - صحیفه نور، طبع قدیم، ج ۲۱، ص ۱۶۹.

داشت^{۱۲} و تسبیح حق را با تحمید به هم آمیخت؛ چنان که در قرآن کریم این دو در صحابت هم اند: (**إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ**)^{۱۳}؛ (**فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ**)^{۱۴}.

مطلب چهارم

درباره هماهنگی قرآن و عترت، معارف ژرفی از وصیت نامه استنباط می گردد:

۱. همان طوری که قرآن کریم حاوی آیات مهر است، عترت طاهره (علیهم السلام) مظاهر جمال حقّ اند.

۲. همچنان که قرآن شامل آیات قهر است، آنان نیز مظاهر جلال الهی اند.

۳. همان طوری که قرآن مجلای همه اسمای الهی است: « **فَتَجَلَّى لَهُمُ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ** »^{۱۵}، عترت طاهرین (علیهم السلام) نیز جلوه گاه همه اسمای الهی اند؛ چون مظاهر اسم اعظم اند که هیچ اسمی از آن خارج نخواهد بود.

۴. چون این ذوات مقدّسه به کمال فنا و فناء کامل بار یافتند، برق غیرت، حجاب هرگونه غیریتی را درید؛ لذا آن اسراری که غیر حق نمی داند، مشهود اینان بود و بر اساس استوار و ما عَلِمْتَ إِذْ عَلِمْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ، از اسمای مستأثره آگاهند که غیر خدا از آن آگاه نیست.

۵. کُنه ذات حق و اکتناه اوصاف ذاتی او میسور احدی از انبیا و اولیا نخواهد بود: « **لَا يُدْرِكُهُ بَعْدُ الْهَمَمُ وَ لَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفَطْنِ** »^{۱۶}؛ « **لَمْ يُطْلَعْ الْعُقُولُ عَلَى تَحْدِيدِ صِفَتِهِ وَ لَمْ يَحْجُبْهَا عَنْ وَاجِبِ مَعْرِفَتِهِ** »^{۱۷}؛ لیکن به تمام ظهور فعلی حق رسیدن و از همه تجلّی آن آگاه شدن، مقدور مظاهر اسم اعظم می باشد. قرآن کریم از آن جهت که کلام خداست، فعل اوست و هرگونه تجلّی در آن از قلمرو فعل خارج نیست و فیض نخست که همان عترت پاک اند، بر آن واقف خواهند بود.

^{۱۲} - صحیفه نور، طبع قدیم، ج ۲۱، ص ۱۶۹.

^{۱۳} - سوره اسراء، آیه ۴۴.

^{۱۴} - سوره نصر، آیه ۳.

^{۱۵} - نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷.

^{۱۶} - همان، خطبه ۱.

^{۱۷} - همان، خطبه ۴۹.

۶. همچنان که قرآن کریم از تکاثر اختلاف و تشتت مصون است ، عترت طاهره (علیهم السلام) نیز از کسوت کثرت و پراکندگی معصومند ؛ لذا ، هر دو به کوثر وحدت بار می یابند.

۷. چون نهج البلاغه و صحیفه سجّادیّه و سایر گفته ها و نوشته های عترت پاک (علیهم السلام) تفسیر راستین قرآنند و بیرون از وحی آسمانی چیزی در آنها راه ندارد ، همانند قرآن کریم مایه مباحثاتند و چون امت اسلامی با نثار و ایشار در صیانت این دو وزنه وزین از هیچ جهاد و اجتهادی دریغ نکرده ، موجب افتخارانند.

از آنجا که هدف وحی ، تزکیه روح انسان است و روح آدمی ، نه مذکر است نه مؤنث^{۱۸} ، لذا هیچ کمالی از کمالات معنوی ، نه مشروط به ذکورت است و نه ممنوع به آنوشت و بالاترین کمال که همانا « ولایت » است ، بهره هر دو صنف خواهد شد ؛ گرچه کارهای اجرایی بر حسب خصوصیت هر صنفی تنظیم شده است و چون نظام اسلامی این مطلب را به خوبی ارائه داد ، زنان همتای مردان در اعتلای مقاصد قرآن کریم و عترت پاک (علیهم السلام) کوشیده و زمینه سرفرازی را فراهم کرده اند.

مطلب پنجم

برهان نبوت عامّه ، دین را مجموعه قوانین فردی ، اجتماعی و بین المللی دانسته و وجود مجری و رهبر واقف و معصوم را ضروری می داند و این همان دیانت آمیخته با سیاست است. نغمه مشئوم جدایی دین از سیاست ، مایه انزوای کتاب و سنت ، از صحنه سیاسی و تهاجم سیاستمداران بر ارکان دین شد ؛ زیرا گروهی متحجرانه مسائل دینی را از قلمرو قدرت سیاسی بیرون بردند ؛ ولی سیاست بازان ، قاهرانه بر دین تاخته و هر فتوای مناسب را از قائلان به جدایی دین از سیاست گرفتند و آنچه بر کلیساها گذشت ، بر برخی مراکز اسلامی آسیب رساند ، تا از « اولی الامر » چیزی را فهمیدند که اربابان سیاست ستم می خواستند و همه حدود الهی را در عصر غیبت حضرت ولی عصر (علیه السلام) معطل دانستند و ...

مطلب ششم

^{۱۸} - زن در آینه جلال و جمال ، صص ۶۶ و ۲۵۶.

همان طوری که پیروزی اسلام در مدینه منوره و متواری شدن اسرائیلی های زراندوز کینه توز ، نه به گمان مسلمانان می آمد و نه یهودیان باور می کردند که از کاخهای محکم آنها کاری ساخته نیست ، لیکن خداوند برای اولین بار این بارقه بی سابقه را نصیب مسلمین کرد : (هو الذی أخرج الذین کفروا من أهل الکتاب من دیارهم لأوّل الحشر ما ظننتم أن یخرجوا و ظنوا أنهم مانعتهم حصونهم من الله)^{۱۹} ، ظفرمندی انقلاب اسلامی نیز هدیه ای الهی و تحفه ای غیبی بود که به گمان کسی نمی رسید.^{۲۰}

مطلب هفتم

در اهمّیت حفظ اسلام ، همین بس که عترت طاهره (علیهم السلام) نسبت به آن ، ثقل اصغر محسوب شده اند ؛ چون برای صیانت آن باید از هیچ کوششی ، گرچه به شهادت باشد ، دریغ نکنند^{۲۱} و اگر در حراست آن ادهان یا ایهان رخنه کند ، هرگز عمود دین بر پا نبوده و شاخه ایمان سبز نخواهد شد : « ما قام للذین عمودٌ و لا أخضرٌ للإیمان عودٌ ».^{۲۲}

مطلب هشتم

رمز پیروزی انقلاب اسلامی ، همان راز بقای آن خواهد بود^{۲۳} و مهم ترین عامل ظفرمندی دو رکن است :

۱. انگیزه الهی داشتن : (کلمة الله هی العلیا)^{۲۴}.
۲. متحد بودن : (و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرّقوا)^{۲۵} ؛ (أن أقیموا الدّین و لا تفرّقوا فیہ)^{۲۶}.

^{۱۹} - سوره حشر ، آیه ۲.

^{۲۰} - صحیفه نور ، طبع قدیم ، ج ۲۱ ، صص ۱۷۵ - ۱۷۶.

^{۲۱} - صحیفه نور ، طبع قدیم ، ج ۲۱ ، صص ۱۷۵ - ۱۷۶.

^{۲۲} - نهج البلاغه ، خطبه ۵۶.

^{۲۳} - صحیفه نور ، طبع قدیم ، ج ۲۱ ، صص ۱۷۶ - ۱۷۷.

^{۲۴} - سوره توبه ، آیه ۴۰.

^{۲۵} - سوره آل عمران ، آیه ۱۰۳.

^{۲۶} - سوره شوری ، آیه ۱۳.

تأثیر رکن اول، برای آن است که حق هماره پایدار بوده و باطل چونان کف روی سیل خروشان پایمال می شود.

اثر رکن دوم، برای آن است که تمام نیروها به یک هدف متوجه شده و هر گونه مانعی را برطرف نماید. خدای سبحان اختلاف را نشانه خامی و بی خردی می داند: **(... تحسبهم جميعاً و قلوبهم شتى ذلك بأنهم قومٌ لا يعقلون)**^{۲۷}، و حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) آن را همانند تیغ تیزی می داند که هرگونه اثری را از دین محو می نماید: **« و لا تباغضوا فإِنَّها الحالقة »**^{۲۸}. نیز می فرماید: خداوند هیچ گروهی را با اختلاف، به خیر نخواهد رساند: **« و إنَّ الله سبحانه لم يعطِ أحداً بفرقةٍ خيراً ممَّن مَضَى و لا ممَّن بقى »**^{۲۹}، و مهم ترین عامل اختلاف از نظر آن حضرت (علیه السلام) خُبث سریره و پلیدی دل می باشد: **« و إنما أنتم إخوانٌ على دين الله مافرق بينكم إلاَّ خبثُ السرائر و سوء الضمائر »**^{۳۰}. گرچه اختلاف بین هر گروهی مایه تباهی است، لیکن تفرقه علما و جدایی دانشمندان از یک دیگر و نیز اختلاف علمای حوزه و دانشمندان دانشگاه با هم، سبب سیه رویی و سعادت سوزی سهمگین تر خواهد بود. گرایش به جهان کثرت، پایه هر اختلاف است؛ چنان که جذب به جهان وحدت، مایه هر گونه اتحاد خواهد بود؛ چون دنیا در صَفِّ نعال^{۳۱} کثرت است، میل به آن سبب پیدایش هرگونه پراکندگی می باشد؛ لذا، محبت او ریشه همه گناهان شمرده شده^{۳۲} و در ترسیم حقیقت آن، از هیچ تعبیر مشمئز کننده ای کوتاه نشد.

^{۲۷} - سوره حشر، آیه ۱۴.

^{۲۸} - نهج البلاغه، خطبه ۸۶؛ «حلق» یعنی تراشیدن موی سر با تیغ. اختلاف، بغضاء، عداوت، حسد و کینه، دین را حلق می کند؛ یعنی ریشه دین را زده و چیزی از آن باقی نمی گذارد.

^{۲۹} - همان، خطبه ۱۷۵.

^{۳۰} - همان، خطبه ۱۱۳.

^{۳۱} - پایین مجلس، کفش کن، دنیا در کفش کن جهان هستی است؛ جایی که در بیرون اتاق کفشها را از پا درآورده و ردیف می کنند.

^{۳۲} - «رأس كل خطيئة حب الدنيا»؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۵، کتاب الایمان و الکفر، باب «حب الدنيا و الحرص علیها»، ح ۱.

مخصوصاً آنچه در گفتار و نوشتار سید اوصیا مولای موحدان ، امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه افضل صلوات المصلین آمده است ؛ مانند : عراق خنزیر در دست مجذوم^{۳۳} ، عَفْطَه عَنز^{۳۴} ، چراگاه و بی ، حُطام و کاه و باخیز^{۳۵} و

مطلب نهم

گرچه بدون رهبری امام عادل و مصمم ، ظفر میسر نیست ، ولی حضور امت عازم و ملت آگاه ، شرط ضروری آن می باشد و حق شناسی از آنان نیز لازم خواهد بود ؛ زیرا در مسائل اجتماعی سیاسی همراه رهبر ، راهی هدف شده و او را رها نکرده اند.

خدای سبحان درباره مؤمنان راستین ، چنین می فرماید : **(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ ...)** .^{۳۶} امت اسلامی ایران با عمل به این آیه کریمه هرگز صحنه را ترک نکرده و با نفس نفیس خود از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) حمایت کرده و در طرد و طعن طاغیان غفلت ننموده و با بذل مَهْجَت خویش حجت را تمام و با نثار سر ، سرفراز شده و با ارائه کارنمای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ، شایسته تحسین شده است.

لذا ، همان طوری که قرآن کریم از ایثار انصار مدینه تجلیل نمود : **(يَحِبُّونَ مِنْ هَاجِرِ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ)** ^{۳۷} ، بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (قدس سره) نیز از تمام مردم تقدیر فرمود.

مطلب دهم

خود کفایی ، فرع خودشناسی است ؛ اگر امت اسلامی اصالت خویش را شناسایی کند و به استنباط معارف علمی و استخراج مخازن اقتصادی بپردازد ، نه در مسائل علمی مرعوب مکتبهای

^{۳۳} - نهج البلاغه ، حکمت ۲۳۶ .

^{۳۴} - همان ، خطبه ۳ (شقشقیه) .

^{۳۵} - همان ، حکمت ۳۶۷ .

^{۳۶} - سوره نور ، آیه ۶۲ .

^{۳۷} - سوره حشر ، آیه ۹ .

دیگر می شود و نه وعده های مادی شرق و غرب ، مرغوب آنها خواهد شد ؛ به طوری که حوزه های علمی به نقد و تحلیل معارف نظری و علمی اسلام و مقایسه آن با افکار اندیشمندان عصر پرداخته و با استخراج پاسخ از وحی و عقل و حل هر مسئله سیاسی ، اقتصادی ، نظامی ، اجتماعی اخلاقی ، همچون مسئله عبادی همت گمارند و دانشگاهها ضمن آشنایی به مسائل اعتقادی و علمی ، به تبیین عمیق علوم تجربی پرداخته و متخصصان متعهد را در هر رشته پیروانند.

زیرا اگر چه اسلام ، علوم اساسی را در سه قسم خلاصه کرد : « إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ : آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ »^{۳۸} ، لیکن در تفسیر آن علوم سه گانه برخی از علوم تجربی و نظامی یافت می شود ؛ چنان که حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود : « لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثَةٍ يَفْزَعُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَ آخِرَتِهِمْ فَإِنْ عَدَمُوا ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا : فُقَيْهٌ عَالِمٌ وَرَعٌ وَ أَمِيرٌ خَيْرٌ مُطَاعٌ وَ طَبِيبٌ بَصِيرٌ ثَقَّةٌ »^{۳۹} ؛ یعنی همان طوری که فقاقت سهمی در تمدن اسلامی دارد ، طبابت و امارت نیز در تحقق آن سهیم اند و بدون هر کدام از آنها زندگی جامعه ، حیات همجی (زندگی فرومایه حیوانی) خواهد بود ؛ نه انسانی.

نکته ای که در گفتار حکیمانه حضرت امام صادق (علیه السلام) جاذبه خاص دارد ، این است که ضمن تخصصی دانستن رشته های فقه ، طب ، رهبری و فرماندهی ، تعهد دینی را وظیفه مشترک همه معرفی نمود تا پارسایی فقیه ، هماهنگ خیراندیشی حاکم جامعه و همتای وثاقت پزشک قرار گیرد و فقاقت بدون پرهیز و ورع نباشد و امارت بدون خیرخواهی نماند و حذاقت بدون وثاقت واقع نشود.

اگر حوزه علمی آن چنان فقیه متورع پیروانند و دانشگاه این چنین طبیب موثق بسازد ، توفیق رهیابی به امیری که اسیر هوس نباشد ، حاصل خواهد شد و از ترکیب این عناصر متخصص متعهد ، تمدن اسلام ناب که همان « زندگانی معقول جاودانه » است ، پدید می آید.

مطلب یازدهم

^{۳۸} - اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۳۲ ، باب صفة العلم و فضله ، ح ۱ .

^{۳۹} - تحف العقول ، کلمات حضرت امام صادق (علیه السلام) ، ص ۳۲۱ .

مال در فرهنگ اسلام به منزله ستون فقرات جامعه به شمار می آید؛ لذا، نباید در اختیار سفیهان باشد: **(لَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا)**^{۴۰}؛ وگرنه ستون جامعه می شکند و جامعه ای که ستون استقامت آن بشکند، قدرت قیام ندارد و مستمند را نیز به همین سبب « فقیر » می نامند.

همان طوری که مال نباید در اختیار سفیه قرار گیرد، نباید در قلمرو قدرت گروهی خاص واقع شود: **(كَيْ لَا يَكُونَ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ)**^{۴۱}؛ زیرا اگر ثروت جامعه در گرو گروه معین قرار گیرد، دیگران قدرت قیام نخواهند داشت؛ خواه آن گروه ثروتمند، اشخاص حقیقی باشند، نظیر نظام سرمایه داری غرب یا اشخاص حقوقی باشند، نظیر نظام دولت سالاری شرق. آنچه در نظام دین سالاری اسلام معتبر است، آن است که همگان راه برای درآمد کافی و مشروع داشته باشند. گرچه در اثر اختلاف استعدادها درآمدها مساوی نیست، ولی عادلانه خواهد بود و نه تنها اسراف یا اتراف در صرف و حبس و اکتناز و احتکار و ... در جمع زیانبار است، بلکه نفس تمرکز قدرت اقتصادی در شخصیت حقیقی یا حقوقی ممنوع می باشد؛ گرچه با اسراف یا اتراف مقرون نباشد.

البته لازمه دوام سهم مبارک امام (علیه السلام) یا زکات در اسلام، تداوم فقر نیست؛ همان طور که در زمان ظهور و بسط ید امام زمان (علیه السلام) اصل زکات محفوظ است؛ گرچه مستمند وجود ندارد؛ زیرا مهم ترین مصرف آن، فی سبیل الله است که همواره محفوظ خواهد بود؛ پس از اینکه زکات حکم دائمی اسلام است و یکی از مصارف هشت گانه آن فقیر می باشد، نمی توان جامعه اسلامی را همراه با فقر برخی از افراد پنداشت.

گرچه محرومیت زدایی از اصلی ترین وظایف نظام اسلامی است و برای دفع حرمان مالی طرح اقتصادی قابل اجرا لازم است، لیکن رفع نیازمندی های بعضی از مستمندان از امتیاز ویژه ای برخوردار است؛ نظیر:

^{۴۰} - سوره نساء، آیه ۵.

^{۴۱} - سوره حشر، آیه ۷.

۱. آبرومندانی که قدرت سؤال نداشته و ناآگاهان به وضع داخلی، آن عقیقان را توانگر می‌پندارند: (... یحسبهم الجاهل أغنیاء من التّعفف) .^{۴۲}

۲. مهاجرین و مجاهدین راستینی که به جرم حق خواهی از خانه و مال خویش تبعید شده و به منظور رضای خداوند متعالی دین او و پیامبر او را یاری نموده و می‌نمایند: (للفقراء المهاجرین الذین أخرجوا من دیارهم و أموالهم یتتغون فضلاً من الله و رضواناً و ینصرون الله و رسوله أولئک هم الصادقون) .^{۴۳} از این رهگذر، سرّ حمایت حضرت امام خمینی (قدس سرّه) از محرومان و خصوصاً جبهه رفته‌ها روشن می‌شود.

مطلب دوازدهم

بیداری مردم، نگهبان خوبی برای صیانت دستاوردهای انقلاب اسلامی است؛ چنان که خفتگی آنها سبب تهاجم بیگانگان خواهد بود؛ چنان که حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: « مَنْ نَامَ لَمْ يُنَمَّ عَنْهُ »^{۴۴}. مقدار بیداری هر اُمت، مرهون مقدار هوشیاری آنهاست و به اندازه هوشیاری، آنان در ستیز با مهاجمان ضدّ دینی اند. ضریب ستیز آنها را قرآن کریم چنین ترسیم می‌فرماید:

۱. همواره نقشه مشئوم تازه طرح می‌کنند: (لا تزال تطّلع علی خائنة منهم) .^{۴۵}

۲. انگیزه خیانت آنها تنها در مسائل نظامی، اقتصادی و ... خلاصه نخواهد شد؛ بلکه می‌کوشند که اسلام زدایی کرده و مسلمانها را از اسلام خارج کنند: (ولا یزالون یقاتلونکم حتی یردّوکم عن دینکم إن استطاعوا ...) .^{۴۶}

^{۴۲} - سوره بقره، آیه ۲۷۳.

^{۴۳} - سوره حشر، آیه ۸.

^{۴۴} - نهج البلاغه، نامه ۶۲.

^{۴۵} - سوره مائده، آیه ۱۳.

^{۴۶} - سوره بقره، آیه ۲۱۷.

۳. هدف نهایی صاحبان مکاتب گوناگون الحاد یا شرک یا کفر نسبی ، نه تنها خروج مسلمین از حوزه اسلام است ، بلکه دخول آنها در قلمرو مکتب ضلال آنان خواهد بود : (**و لَنْ تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ**) .^{۴۷}

۴. برای نیل به این هدف شوم ، از جاسوسان و نفوذیان مدد می گیرند : (**... وَ فَيَكْمُ سَمَاعُونَ لَهُمْ ...**)^{۴۸} ؛ بنابراین ، سرّ توصیه حضرت امام خمینی همگان را به بیداری و توجیه آنها به خطر دشمن و نفوذ او در متن جامعه ، به ویژه در حوزه و دانشگاه و اعلام حمله همه جانبه تبلیغی و غیر آن در سطح جهان و ضرورت دفاع گسترده در مقابل تهاجم تیغ تبلیغ اغیار ، معلوم خواهد شد ؛ چنان که راز وصیت دولت مردان به تهذیب نظام از کارگزاران بزهدکار و جذب خدمتگزاران شیفته خدمت ، نه تشنه قدرت و سپردن کار به دست مدیران پارسا و مدبران وارسته ، مخصوصاً از خاندان معظم شهدا ، اُسرا ، مفقودان و توجّه خاص به جانبازان آشکار می شود.

امید است امت اسلامی سراسر جهان بالاخص ملّت سرافراز و متعهد ایران اسلامی که اوصیای راستین این وصیت نامه الهی سیاسی اند ، همه مضامین بلند و آموزنده آن را به دقت عمل نمایند تا روح پر فتوح حضرت امام خمینی (قدس سرّه) در جوار ارواح انبیا (علیهم السلام) شاد و از همگان خوشنود باشد.

^{۴۷} - سوره بقره ، آیه ۱۲۰.

^{۴۸} - سوره توبه ، آیه ۴۷.